

اقتدار ملی

مجموعه مقالات پیرامون انسجام، توسعه، منافع و امنیت ملی

نویسنده: کورش الماسی

۱۳۹۵

شابک	978-600-403-261-2 :
شماره کتابشناسی ملی	۴۵۵۲۸۲۱ :
عنوان و نام پدیدآور	اقتدار ملی: مجموعه مقالات پیرامون انسجام، توسعه، منافع و امنیت ملی نویسنده کورش الماسی.
مشخصات نشر	تهران: تایماز، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۶۹ ص.
بازداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	مجموعه مقالات پیرامون انسجام، توسعه، منافع و امنیت ملی.
موضوع	اقتدارگرایی -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	Authoritarianism -- Iran -- Addresses, essays, lectures
موضوع	امنیت ملی -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	National security-- Iran-- Addresses, essays, lectures
تاریخ ثبت	۳۲۱/۹۰۹۵۵ :
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ الف۱۷الف/۳۴۸۰ JC
سرشناسی	الماسی، کورش، ۱۳۴۴ -
وضعیت فهرست نویسی	فبا :

انتشارات تایماز

اقتدار ملی

مجموعه مقالات پیرامون انسجام، توسعه، منافع و امنیت ملی

ناشر :	تایماز
نویسنده :	کورش الماسی
مدیر اجرایی :	مجید باشعور
نوبت چاپ :	اول ۱۳۹۵
چاپ و صحافی :	تایماز
شمارگان :	۵۰۰
قیمت :	۱۵۰۰۰۰ ریال
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۴۰۳-۲۶۱-۲
حق چاپ محفوظ و متعلق به نویسنده می باشد.	



آدرس: تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخررازی - خیابان وحید نظری غربی - پلاک ۸۵ - طبقه ۳

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۷۴۴ موبایل: ۰۹۱۲۷۲۴۴۵۳۵ ایمیل: taymazpub@yahoo.com صندوق پستی:

۱۳۱۴۵-۶۴۸ تهران taymazpub@gmail.com تلگرام: ۰۲۱-۶۶۹۷۲۰۵۴ ۰۹۱۴۴۰۹۹۷۵۸

فهرست

۹	پیشگفتار.....
۱۱	مقدمه.....
۱۷	مقالاتی با محوریت انسجام، توسعه، منافع، امنیت و اقتدار ملی.....
۱۹	فصل اول: فلسفه انتخابات.....
۲۰	سیاست چیست؟ سیاستمدار کیست؟.....
۲۳	انتخابات میدان خ جمعی.....
۲۵	فلسفه انتخابات نثار خدای از مردم.....
۲۷	تخریب اثر معکوس.....
۲۸	تقدیر از تحول و تکامل.....
۳۰	خیر همگانی یا خیر فردی.....
۳۱	روانشناسی توهین.....
۳۳	سنجش حق در سیاست.....
۳۵	برجام نه پرسپولیس نه استقلال.....
۳۷	امنیت اخلاقی یک ضرورت.....
۳۹	فصل دوم: اندیشه و رفتار منطقی.....
۴۰	برجام خوب، بد، مناسب‌ترین.....
۴۲	راهکار ریاست دوره‌ای مجلس.....
۴۴	قصور روانشناختی اصلاحات.....
۴۶	یک امر سیاسی و چند ضرورت.....
۴۸	اصولگرا، اصلاح طلب منافع ملی.....

- ۵۰ حق و سیاست‌ورزی
- ۵۲ روحانی و شاه کلید
- ۵۴ انتقاد چیست؟
- ۵۶ اعتماد به خرد جمعی؛ راه توسعه کشور
- ۵۸ دستاوردهای ایجاد معاونت برجام ملی
- ۶۱ فصل سوم: منافع ملی
- ۶۲ نه شرقی به غربی امنیت و منافع ملی
- ۶۴ دانشکده صلح خاور به در تهران
- ۶۷ تهاجم فرهنگی
- ۶۹ سلامت سیاست‌ورزی و ترجمه به‌دور
- ۷۱ روحانی نماد خرد ملی
- ۷۳ منافع ملی و امنیت ملی؟
- ۷۵ بی‌سواد، یک معضل جدی
- ۷۷ بلاتکلیفی فرهنگی
- ۷۹ بازخوانی عملکرد ۸ ساله احمدی نژاد
- ۸۰ انتقاد از منتقدین
- ۸۲ روحانی نماد یک راهبرد ملی
- ۸۴ مخوف‌ترین دشمن ایران
- ۸۶ رعایت شعار نه شرقی نه غربی
- ۸۹ دیپلماسی وحدت ملی
- ۹۱ اعتدال کارآمدترین گفتمان

۹۳	فصل چهارم: توسعه و شفافیت
۹۴	چرا حسن روحانی؟
۹۶	دانشگاه بنیاد سیاست‌ورزی
۹۸	اقتدار ملی و توسعه
۱۰۰	امنیت و منافع ملی معیار سنجش
۱۰۲	شفافیت در ذهن، توسعه پایدار
۱۰۴	نقدی بر سیاست‌گذاران امور فرهنگی
۱۰۶	خوب، بد و زشت سیاست‌ورزی
۱۰۸	توسعه، پرهیز از تکرار تاریخ
۱۱۰	معمای سیاست‌ورزی فرهنگ
۱۱۲	اصولگرایی و آینده
۱۱۴	انتقادات و انتخابات
۱۱۶	خطای منتقدان مخالف دولت
۱۱۹	فصل پنجم: نگرش کاربردی به امنیت
۱۲۰	امنیت ملی تابع منافع ملی
۱۲۲	منتقدان دولت و لزوم واقع‌گرایی
۱۲۵	شهروندان بالاتر از قانون
۱۲۷	جهش ژنتیکی در انتخابات ۹۶
۱۲۹	نظام یعنی نظم
۱۳۱	تبعیت سیاست از فوتبال؛ چگونه؟
۱۳۳	دیپلماسی؛ کنش یا واکنشی

- جهش ژنتیکی در عرصه سیاسی کشور..... ۱۳۵
- ضرورت تغییر شعارها..... ۱۳۷
- دشمن چیست و کیست؟..... ۱۳۹
- کاربرد نظام اخلاقی در جامعه..... ۱۴۱
- پارادوکس مشهد..... ۱۴۴
- فصل ششم: ضرورت تعریف مفاهیم بنیادین..... ۱۴۷**
- ضرورت اصلاح اصلاح طلبان..... ۱۴۸
- تنش‌های سیاسی راننده‌های ساختاری..... ۱۵۰
- روانشناسی فساد..... ۱۵۳
- سر چشمه‌های فساد..... ۱۵۵
- نفوذ چیست؟..... ۱۵۷
- روحانی حافظ نظام..... ۱۶۰
- توسعه، شفاف کردن اندیشه‌ها..... ۱۶۲
- انتخابات و منافع بلند مدت..... ۱۶۴
- ملزومات کارآمدی نظام..... ۱۶۶
- انقلاب چیست و انقلابی کیست؟..... ۱۶۸

پیشگفتار

دو دهه و اندی است که پیرامون این موضوع که چرا ایران جزو کشورهای جهان سوم یا به تعبیری امروزی، در حال توسعه انگاشته می شود، در حال کنکاش، کاوش و تحقق از طریق بررسی های کتابخانه ای، مصاحبه ای، مشاهده ای و میدانی هستیم. اما متأسفانه، با وجود تلاش های فراوان و دیدار با برخی اهالی قلم، نشر و برخی نهادهای علمی برای ایجاد شرایط نگارش پیرامون موضوع جایگاه بین المللی ایران توفیقی نداشته ام.

تا اینکه بر حسب تعادف با مهرداد منصوری، فردی اندیشمند و آگاه با امور زمانه، آشنا شدم. بعد از اینکه در مورد اهمیت، کاربرد و قابلیت اثر گذاری اندیشه های خود در بهبود امور اجتماعی، با وی تبادل نظر کردم، ایشان به سودمند، کاربردی و عملی بودن اندیشه های مذکور باور و به همین دلیل شایستگی را برای نگارش اندیشه های مورد اشاره برای اینجانب فراهم کردند. در ابتدا قصد نگارش یک کتاب را داشتم، اما پسی از تامل متوجه شدم، نگارش پیرامون اندیشه های مد نظر در غالب کتاب نیازمند تمرکز، دقت بالا و زمانبر است. از اینرو، با توجه به شرایط کتاب خوانی در کشور و پر مشغله بودن مخاطبان، به این نتیجه رسیدیم، که طرح این اندیشه ها در غالب یادداشت ها در روزنامه های یومیه به شکل موجز هم سریع و هم در بُعد وسیع با مخاطبین مد نظر ارتباط ایجاد می شود.

از آن جایی که اندیشه ها، تصورات و افکار پدیده هایی شخصی هستند، زمانی که اندیشه ها در غالب نوشته ها، گفتار یا رفتار، ظهور می یابند، تبدیل به امور و پدیده های همگانی می شوند. حال می توان پرسید، چرا افراد مایلند اندیشه های و افکار و نظرات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند؟ به اشتراک گذاشتن اندیشه ها و نظرات می تواند دلایل گوناگونی داشته باشد. مثلاً، تاثیر گذاری بر و بهبود امور اجتماعی یا انسانی، تحقق اهداف شخصی، گروهی، ملی و.....

مبنای زندگی اجتماعی تفاهم، هم اندیشی، تبادل نظر، همکاری، از خود گذشتگی و میان اعضای جامعه است. اینکه این مفاهیم در قانون اساسی که نماد خرد جمعی شهروندان برای تحقق اهداف مشترک، مانند رفاه، آرمش، امنیت، کارآمد تر کردن نظام حاکمیتی، ایجاد شادی

برای شهروندان و.....است، تبلور می یابد، بنابراین، می توان همکاری، تفاهم، تبادل نظر و.... را کارآمدترین ابزار یا روشهای تحقق اهداف مشترک جامعه دانست. از اینرو، به اشتراک گذاشتن اندیشه ها در غالب این اثر به این امید است که شاید این اندیشه ها بتوانند تاثیری بر تحقق اهداف جمعی فوق الذکر که (به باور نگارنده) تنها از طریق تولید اقتدار ملی میسر است، بگذارد.

در پایان از استاد و دوست ارجمند مهرداد منصوری که همواره با هدایت خود و ارائه امکانات مناسب توانست مرا در جهت نگارش این اثر کمک و یاری کند، کمال تشکر را دارم. لازم می دانم، هم چنین، از دکتر محمود خلیلی بابت تمامی پیشنهادات سازنده در مورد بهتر کردن ساختار کتاب تشکری کنم.

مؤلف: کورش الماسی

مقدمه

به نظر نگارنده چاپ مقالات متعدد در روزنامه های یومیه با محوریت توسعه، منافع، امنیت، اقتدار و انسجام مدیریتی ملی به صورت موجز و پراکنده، بیانگر اهمیت و ضرورت طرح مفاهیم توسعه، منافع، امنیت، اقتدار و انسجام مدیریتی ملی به مخاطبان است.

بر مخاطبان روشن است که مفاهیم و مباحث توسعه، منافع، امنیت، اقتدار و انسجام مدیریتی ملی از بنیادی ترین اندیشه های سیاسی تلقی می شوند و اظهار نظر پیرامون این مفاهیم نیازمند توجه به دایره های نظری بسیار گسترده و عمیق است که نگارنده با ارائه آنها در روزنامه های یومیه به صورت موجز تلاش نمودم. ارائه این موجز صرفاً بیان هسته اصلی راهبردی است، که به باور نگارنده، تأیید تحقق اهداف کلان ملی؛ مانند: رفاه، امنیت، توسعه و آرامش که شامل استقلال خواهی، مطیعیت، نوع وابستگی، حاکمیت اسلام بر جامعه، آزادی بیان و قلم، عدالت و رفع تبعیض ها، احیای کرامت انسانی و نقش داشتن مردم در حاکمیت بر تعیین سرنوشت خود، زمینه سازی برای رشد و تکامل انسانها در جامعه و حذف عوامل فساد هستند، را در مدت زمان مشخص دارد.

البته می دانیم که اهدافی چون رفاه، امنیت و توسعه، اهداف و مفاهیمی بسیار کلان هستند که قابلیت تجزیه شدن به اهداف ملموس و کاربردی تری چون استقلال خواهی و قطع هر نوع وابستگی، حاکمیت اسلام بر جامعه، آزادی بیان و قلم، عدالت و رفع تبعیض ها، احیای کرامت انسانی و نقش داشتن مردم در حاکمیت بر تعیین سرنوشت خود، زمینه سازی برای رشد و تکامل انسانها در جامعه و حذف عوامل فساد و... را دارند. امید آنکه، در آینده چند دور، راهبرد مد نظر به شکلی تفصیلی تر نگارش شود.

اگر بپذیریم که انسانها جهان قابل درک و ملموس را از طریق مفاهیم درک می کنند، آنگاه می توان گفت که انسانها و جوامعی که از رفاه، امنیت و آرامش بالایی برخوردارند، به این دلیل است که آنها مفاهیم واقع بینانه و کاربردی را در اختیار دارند. بالعکس، جوامعی که پیوسته دچار مشکلات و سختیهای گوناگون هستند به این دلیل است که اذهان شهروندان و بلاخص نخبگان آنها با مفاهیم تیره و تار احاطه شده است. بنابراین، همانند برخی اندیشمندان در

عصار گوناگون، معتقدیم، شفافیت در کلام حاکی از شفافیت در ذهن است و بالعکس. از اینرو، بیراه نیست، اگر گفته شود، کیفیت زندگی شهروندان حاصل شفاف بودن یا نبودن اذهان نخبگان جامعه در حوزه های گوناگون است.

بر این اساس می توان گفت، اعتبار اندیشه های انسانی در هر زمینه ای برآیند نتایج ملموس، قابل سنجش و ارزیابی که در مدت زمان از پیش تعیین شده به بار می آورند، است. به گواه سرتاسر تاریخ بشر، بلاخص تاریخ سیاسی، اقتدار ملی یگانه مسیر یا ابزاری است که می تواند توسعه پایدار منافع و امنیت ملی که منجر به رفاه، امنیت، آرامش، عزت و سربلندی برای نظام و شهروندان بشود را ایجاد کند.

از اینرو، در ادب تلاش می شود تا دیدگاهی که عمیقاً معتقد است، یگانه راه پایدار، مطمئن و کم هزینه برای توسعه پایدار، منافع و امنیت ملی که موجب تحقق اهداف کلان چون رفاه، امنیت و آرامش برای نظام شهروندان می شود، را در غالب تبیین سه مفهوم یعنی، اقتدار چیست، ضرورت اقتدار و چگونگی رسیدن به اقتدار، عرضه شود.

باید تاکید شود، که ارائه این اندیشه ما صرفاً به مثابه بذریه است که راهبرد نظری است که قابلیت تبدیل شدن به یک درخت تنومند را دارد. به امید آنکه نگارنده یا افراد دیگر (در آینده نه چندان دور) فرصت پروراندن این بذریه را بدست آورند.

۱- اقتدار چیست؟

گرچه ای را تصور کنید که برای پرهیز از سختیهای جوی و تهیه غذا، به حیات محسن پناه می آورد. به دلایل گوناگون محسن از گرچه ها دل خوشی ندارد و هرگاه که گرچه را در حیات خود می بیند، با داد و فریاد یا انداختن اشیاء گوناگون به سوی گرچه بخت برگشته، او را از حیات خود بیرون می کند.

حال تصور کنید همان گرچه برای پرهیز از دشواریهای آب و هوایی و تهیه غذا به حیات منزل داریوش پناه می برد. اما داریوش برخلاف محسن، به دلایل گوناگون، نه فقط در هنگام دیدن گرچه داد و هوار نمی کند، بلکه مقداری غذا هم به گرچه می دهد.

از بیان تمثیل فوق می توان چند نتیجه دریافت کرد:

• اگر گربه نتواند درک یا تشخیص دهد که رفتن در حیات محسن برای بقای او خطر ناک و رفتن به حیات داریوش برای بقای او سودمند است، گربه مورد نظر بقایی کوتاه، سخت، ناامن و همواره با ترس و حراس خواهد داشت.

• همین درک و تشخیص پایه و اساس بقای همه موجودات زنده است. مثلاً، اگر یک ماهی کوچک نتواند درک کند یا تشخیص دهد که نزدیک شدن به یک کوسه یعنی مردن، بقای آن ماهی خیلی زود پایان می پذیرد.

• همین درک و تشخیص اینکه چه نوع رفتاری برای بقا سودمند و چه نوع رفتاری برای بقا خطرناک است می توان، در امور انسانی، پایه و اساس اخلاق دانست.

• پس، به عبارتی، در امور انسانی، خوب و درست آن چیزی است که مستقیم یا غیر مستقیم، در بلند مدت یا کوتاه مدت برای ادامه بقایی امن سودمند باشد و بد و نادرست چیزی است که به هر شکلی برای ادامه حیات ضرر و خطر ناک باشد.

• تفکیک درک از رفتار، فرد اول منبع شرایطی را درک می کند سپس بر پایه درک یا تشخیص خود رفتار یا اقداماتی را برای برخورد با شرایط عینی ایجاد می کند. بنابر استدلال فوق، می توانیم بگوییم، اقتدار یک نوع درک یا تشخیص امور پیرامون توسط موجود زنده است. و رفتار گوناگونی که توسط موجود برای برخورد با مو، گوناگون اتخاذ می شود، نتایج یا محصولات درک و تشخیص (اقتدار) است.

۲- ضرورت اقتدار ملی

همانگونه که همگان آگاه اند پایه و اساس و منطق روابط بین الملل اقتدار ملی کشورها است. کیفیت و میزان موفقیت تحقق اهداف ملی هر کشوری که همانا رفاه، امنیت، آرامش برای شهروندان و نظام حاکمیتی است تابع مستقیماً اقتدار ملی آن کشور است. در مبادلات سیاسی، علمی، تجاری، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی و... میان کشورها، تعیین کننده ترین عامل برای اینکه در هر زمینه ای چه مقدار امتیاز داده و چه مقدار امتیاز گرفته می شود، اقتدار ملی هر کشور است.

با در نظر گرفتن شرایط و تحولات سریع منطقه و جهان و وجود بدخواهان بالقوه و بالفعل

برای کشور، اگر قرار است از آسیب‌های بالفعل و بالقوه کشور را مصون بداریم، نه فقط الزامی، ضروری و واقع‌بینانه، بلکه حیاتی است تا راهبردی عملی، واقع‌بینانه و البته کم‌هزینه برای تولید بی‌وقفه اقتاد ملی تدوین و عملیاتی شود.

اگر عرصه روابط بین‌الملل را اقیانوسی متلاطم در نظر بگیریم، آنگاه اقتدار ملی قایقی است که در آن به سر می‌بریم. نتیجه منطقی این گفته این است که استحکام، نوع، اندازه، کیفیت و اصیل بودن عناصر تشکیل‌دهنده قایقی؛ میزان امنیت، رفاه و آرامش شهروندان و نظام را در اقیانوس متلاطم روابط بین‌الملل تعیین می‌کند.

۳- چگونگی تولید اقتدار ملی

در تعریف بالا از چپ‌سی اقتدار، ما میان خود قدرت و محصولات اقتدار تفاوت قائل شدیم. گفته شد، خود قدرت درک، تشخیص شفاف امور گوناگون محیط زیست پیرامون یا اجتماعی است و رفتار گوناگون عینی ملموس، سنجش‌پذیر و قابل ارزیابی فاعل، محصولات اقتدار است. بنابر این، توسعه توان دفاعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی، تجاری و... همگی نتایج و نه خود قدرت هستند.

کشور اهدافی حیاتی دارد که نمی‌توانیم از طریق امکانات، توانایی‌ها و دارایی‌های داخلی تأمین کنیم. بنا براین، الزامی است تا با دیگر کشورها ارتباط داشته باشیم.

واقعیت روابط بین‌الملل این است که همه کشورها تلاش می‌کنند نیازهای خود را ارزان تهیه کنند و محصولات و خدمات خود را گران بفروشند. بنابراین امتیاز بیشتری در قبال امتیازهایی که می‌دهند، بگیرند.

درک و تشخیص عینی و شفاف از شرایط روابط بین‌الملل، الزامان باید منجر به رفتاری شود که اقتدار ملی را افزایش دهد.

حال باید پرسیده شود کدام رفتار یا محصولات اقتدار می‌تواند اهداف ملی را از طریق نظام حاکمیتی کارآمد تحقق ببخشد.

محصولات اقتدار (درک و تشخیص) که قابلیت تحقق اهداف ملی را از طریق نظام حاکمیتی بسیار کارآمد دارند، در پنج مولفه به شکل نهادهای حاکمیتی نمود می‌یابند. اگر ساختمان یا ساختار

زندگی اجتماعی را (از نظر منطقی) همانند یک ساختمان از هر نوعی دیگر تلقی کنیم. آنگاه می توانیم بگویم، اخلاق زمینی است که ساختمان زندگی اجتماعی بر آن بنا می شود. و اینکه وزارتخانه های آموزش و پرورش، علوم-فناوری و تحقیقات، اطلاعات و دفاع چهار ستون مستحکمی هستند که طبقات یا لایه های دیگر ساختمان زندگی اجتماعی بر روی آنها تاسیس می شوند.

اسکلت مقتدر، پایدار و مستحکم نظام مدیریتی (حاکمیت) در غالب پنج مولفه به اختصار به شرح ذیل است:

۱- اخلاق

همانگونه که در بالا گفته شد اخلاق همان درک و تشخیص عینی امور پیرامون است. نمود درک اخلاقی میان (به ویژه نخبگان، شهروندان باید موجب درک اهمیت و ضرورت انسجام مدیریتی کلان در کشور شود. اهمیت و ضرورت انسجام مدیریتی به این معنی نیست که شهروندان یا جناح های گوناگون به یک شکل به پیش عمل کنند، احساس کنند یا اهداف یکسانی داشته باشند. بلکه انسجام مدیریتی به معنی درک ضرورت وجود یک سازوکار مورد اجماع همه نخبگان برای هدایت و نظم بخشیدن رفتار و عملکرد- شهروندان سیاست ورزان است.

۲- وزارت آموزش و پرورش:

وزارت آموزش و پرورش همانگونه که از اسمش می توان دریافت، وظیفه آموزش و پرورش شهروندان جامعه را برای تحقق اهداف کلان کشور عهده دار است. کاربرد و واقع بین بودن راهبرد کلان وزارت آموزش و پرورش اثری تعیین کننده بر تحقق اهداف کلان کشور خواهد داشت. از اینرو، بروز و کاربردی کردن اهداف، مسیر و سازوکار ارزیابی و پیشبرد عملکرد و دستاوردهای این نهاد در مدت زمان تعیین شده بسیار مهم است.

۳- وزارت علوم، فناوری و تحقیقات:

وزارت علوم وظیفه تولید علم در حوزه های گوناگون اجتماعی، به مثابه روشها و ابزارهای مورد نیاز برای تحقق اهداف کلان نظام و کشور را بر عهده دارد.

۴- وزارت دفاع:

وزارت دفاع به مثابه بازوی شهروندان، نظام و کشور در مقابل هر نوع تهدید آشکار و سخت از

جانب بد خواهان دور و نزدیک ایفای نقش می کند. به همین دلیل، هیچ محدودیتی برای تقویت همه جانبه این نهاد نباید وجود داشته باشد. به این دلیل ساده که میزان تحقق اهداف ملی (رفاه، آرامش و امنیت) همراه چهار مولفه دیگر منط به سطح توان این نهاد دارد.

۵- وزارت اطلاعات:

همانطور که می دانیم همه تهدیداتی که کشور و نظام را در معرض خطر قرار می دهند، آشکار و سخت نیستند، بلکه در جهان معاصر تهدیداتی که کشور و نظام را تهدید می کنند بر خلاف گذشته ها، بیشتر کیفیت و ساختار نرم و غیر قابل رویت برای نهادهای، مدنی، اجتماعی، دفاعی و امنیتی هستند. از اینرو، این وزارتخانه وظیفه خنثی، دفع، پیش بینی و پیشگیری تهدیدات شبیه مانند را غیر قابل رویت را برعهده دارد.

بنابر تبیین فوق، سازمان اساختار یک نظام حاکمیتی مقتدر که شهروندانش در رفاه، امنیت و آرامش خطشه ناپذیر زندگی می کنند، و توانایی دفع هر تهدیدی از جانب بدخواهان نظام و کشور را خواهد داشت، بدین گونه است که چهار وزارتخانه فوق الذکر بر زمینی که به معنی درک چپستی اخلاق است بنا می شود. هیچ محدودیتی برای افزایش یا تقویت توان این پنج مولفه قدرت نباید وجود داشته باشد.

اجماع نخبگان و بزرگانی که ریشه های انقلاب بزرگ سال ۵۷ که موجب تاسیس نظام جمهوری اسلامی شد، پیرامون راهبرد مدیریت یکپارچه و مسير پائدار، مطمئن و کم هزینه برای پیشبرد اهداف و آرمانهای انقلاب با شکوه و تاریخ ساز اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و ادامه دهنده به حق راه آن بزرگ مرد تاریخ معاصر ایران، رهبر مخلص و مصلح انقلاب آیت الله خامنه ای است، برای آینده کشور و نظام حیاتی است. اینکه انسانهای بسیاری برای تاسیس و بقای آن سختیها و جانها نثار کرده و می کنند.